

## حق خانواده در خلال مخاصمات مسلحانه بین المللی؛ با تأکید بر حقوق بین الملل بشردوستانه اسلامی\*

محمدعلی راغبی<sup>۱</sup>، سمیه آقایی نژاد<sup>۲</sup>، داود خدابخنده<sup>۳</sup>

### چکیده

حقوق بین الملل بشردوستانه عامل حقوقی منع کننده و تحدیدکننده طرفین مخاصمات بین المللی است که فارغ از مشروعیت توسل به زور سعی در کاهش آثار پسینی مخاصمات دارد. پژوهش حاضر با هدف امکان سنجی توجه به خانواده در خلال مخاصمات مسلحانه و نیز استقرای حقوق حمایت از خانواده در مخاصمات، به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شد. بدین منظور اطلاعات پژوهش از منابع مکتوب در حوزه حقوق جمع آوری گردید. بررسی ها نشان داد که خانواده به مثابه یک کل مستقل، موضوع حمایت مجامع بین المللی و اقدامات هنجارگذار و رویه ای آنها نیست، ولی در برخی اسناد بین المللی موجود، می توان اقتضائاتی اندک، ولی مهم در حمایت از خانواده (بماهو خانواده) در خلال مخاصمات مسلحانه یافت؛ درحالی که در اسلام نظریه حقوق بشردوستانه ناظر بر خانواده مطرح است. همچنین نتایج نشان داد که حق های بشردوستانه ای ناظر به خانواده قابل طرح است که برخی از آنها موجب محدودیت و منع مخاصمات مسلحانه می شود، مثل حق بر یاخته. برخی از این حقوق نیز ماهیتی جبرانی دارند، مثل دسترسی به اجساد و یا حق دانستن حقیقت.

**واژگان کلیدی:** حق، حقوق بین الملل بشردوستانه، خانواده، مخاصمات مسلحانه، اسلام.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۶ تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۰۶/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۰۳  
۱. استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، عضو هیئت علمی دانشگاه قم، قم، ایران.

Email: Ma.raghebi@qom.ac.ir

۲. دکترای حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه میبد، یزد، ایران.

Email: aghai.somayeh@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Davoudkhodabandeh7@gmail.com

\*این پژوهش به خانواده شهدای مفقودالثر و به برادر یمنی ما، هیثم الزورقاه، که تجاوزات آل سعود به کشورش، چندین سال او را از دیدن خانواده اش محروم کرده است، تقدیم می شود.

## Family's Right during International Armed Conflicts; with an Emphasis on Islamic International Humanitarian Law

Mohammad Ali Raghebi<sup>1</sup>, Somayeh Aghaeinejad<sup>2</sup>, Davoud Khodabandeh<sup>3</sup>

International humanitarian law is a legal factor preventing and restricting the parties of international conflicts that regardless of the legitimacy of the use of force tries to reduce the consequent impacts of the conflicts. This descriptive-analytical study was conducted with the aim of the feasibility of paying attention to the family during the armed conflicts and inferring the rights of supporting the family in the conflicts; thus, the related data were collected from the written sources of law. According to the findings, the family as an independent whole is not an issue supported by the international organizations and their normative and procedural actions do not include the family; but in some existing international documents, small but important requirements can be found in supporting the family during the armed conflicts, while in Islam, there is the idea of humanitarian law about the family. Furthermore, the results showed that there are some humanitarian rights about the family, some of which cause to restrict and prevent the armed conflicts, like the right to the cell. Some of these rights are also compensatory in nature, such as the access to corpses or the right to know the truth.

**Keywords:** right, international humanitarian law, family, armed conflicts, Islam.

---

### Paper Type: Research

Data Received: 2020/05/05      Data Revised: 2020/09/16      Data Accepted: 2020/09/24

1. Assistant Professor of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Faculty Member of University of Qom, Qom, Iran.

Email: ma.raghebi@qom.ac.ir

2. Ph.D. in Criminal Law and Criminology, Meybod University, Yazd, Iran.

Email: aghai.somayeh@yahoo.com

3. Ph.D. Student in Jurisprudence and Principles of Islamic Law, University of Qom, Qom, Iran. (Corresponding Author)

Email: davoudkhodabandeh70@gmail.com

## ۱. مقدمه

حقوق بین‌الملل بشردوستانه منظومه‌ای از بایسته‌های تحدیدی برای حمایت از قربانیان مخاصمات است. این قواعد، بی‌توجه به مسئله مشروعیت جنگ، درصدد فراخواندن اقتضائات بشردوستانه به فرآیند جنگ است. (استوارت<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳) حقوق بین‌الملل بشردوستانه مربوط به خانواده، کاهش دهنده آلام انسانی و دامنه ویرانگری جنگ و مفهوم آرمانی آن، تأمین احترام به شأن و کرامت والای انسان (فورسیث<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷) است. با وجود این گستره، به خانواده مانند یک پیوستار و ذی‌حق در دایره مطالعات حقوق بشردوستانه توجه نشده است. فقدان این ادبیات فردگرایانه در تأمل دانشیان و قاریان و در پی آن، محاق اساسی‌سازی، این نهاد مهم را در عرصه مخاصمات به خطر انداخته است. برخلاف امکان استنباط نظریه خانواده در اسلام، نظم بشردوستانه تنها اشاراتی در این خصوص دارد. در اسناد حقوق بشردوستانه، کمتر به اصطلاح حقوق خانواده در خلال مخاصمات اشاره شده است. برای نمونه در ماده ۲۷ کنوانسیون چهارم ژنو (۱۹۴۹) آمده است: «اشخاص مورد حمایت در هر مورد، ذی‌حق به حقوق خانوادگی خود هستند». باید دید که آیا خانواده مانند موضوعی مستقل می‌تواند حقوق بشردوستانه داشته باشد و در صورت اثبات این مسئله، خانواده برای کاهش آثار جنگ در خلال جنگ و یا پس از آن، چه مصادیقی از حقوق حمایتی در نظام بین‌الملل حقوق بشردوستانه و نیز حقوق بشردوستانه اسلامی دارد.

## ۲. چهارچوب نظری پژوهش

### ۱-۲. خانواده مانند موضوع حقوق بین‌الملل بشردوستانه

خانواده مفهوم وسیعی دارد که در ذیل آن، مردمی که زیر یک سقف به‌عنوان اعضای یک خانواده زندگی می‌کنند یا روابط نزدیکی با آنها دارند، قرار دارند. (تیدبال بینز<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳) خانواده از آن رو که شخصیت حقوقی فارغ از شخصیت حقیقی و واجد احکام و حقوق است، مورد توجه قرار می‌گیرد. فقه، معیار شخصیت حقوقی را اهلیت تملک می‌پندارد (آقا مهدوی، ۱۳۹۳)؛

1. Stewart, J. G.  
2. Forsyth, D. P.  
3. Tidball-Binz, M.

یعنی حرکت از اثر به پدیدار. بنابراین، اهلیت وصیت یا وقف بر خانواده، شخصیت حقوقی خانواده را اثبات می‌کند. خانواده را می‌توان از نقطه نظر جامعه‌شناختی نیز بررسی کرد. در حقیقت، پذیرش هویتی به نام خانواده مانند موضوع حق، منوط به پذیرش اصالت حقیقت خانواده و عدم اعتباریت آن است. در مقابل، این موضوع قرار دارد که می‌گوید: «رابطه اعضای خانواده و خانواده بماهو خانواده، رابطه کل و جزء است و هر فرد از خانواده است که در توزین حق‌ها اصالت دارد». در این تعریف، خانواده به معنای مجموعه، عنوان انتزاعی ذهنی است و هیچ اصالتی در ارزش‌ها و حق‌ها ندارد.

در نظریه اصالت، خانواده موجودی واقعی است که خود را بر حامیان و واضعان حقوق بشردوستانه تحمیل می‌کند و هویتی مستقل و مجزا از افراد تشکیل دهنده خود دارد. بر همین اساس، نمی‌تواند مبتنی بر مصالح واضعان، ایجاد یا منحل شود بلکه باید به عنوان یک واقعیت از نظر حق‌ها مورد حمایت قرار گیرد. دلیل اصالت در این رویکرد، جنبه روانی و وجدانی در خانواده است که با وجدان افراد خانواده متفاوت است. به همین منظور هر یک از افراد در نسبت با این جمع، فردیت خود را تاحدی از دست داده و حتی به استناد این، خانواده برای خود حق‌هایی در نظر می‌گیرد. از نظر تاریخی نیز مفهوم و هویت خانواده، پیش از فرد وجود داشته است. اشیاء متعلق به افراد نبوده‌اند و گروه یعنی، خانواده، قبيله و... مالک آنها بوده است.

فارغ از دورویکرد قبل، حق از آن رو که از اعراض متأصل خارجی نیست نیازی به حقیقت ندارد و همان‌گونه که نقش حق، اعتباری است، دارنده آن هم می‌تواند امر اعتباری یعنی، شخص حقوقی باشد مانند حق فقرا نسبت زکات. برخی حق‌ها نسبت به زنان مربوط به حقوق خانواده است مانند بهداشت بارداری، مراقبت‌های قبل و بعد از زایمان (گرور، ۲۰۰۹) و یا حق بی طرف ماندن و تحت حمایت بودن (ماشل<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶) که تحت اصل تفکیک غیرنظامیان در فقه قابل پیگیری است. پژوهش حاضر در پی تحلیل حق‌های خانواده در خلال مخاصمات مسلحانه است؛ آن‌گونه که به خانواده بماهو خانواده تعلق دارد. حق‌های طرح‌شده در نوشتار حاضر در ابعاد مختلف دسته‌بندی می‌شود، ولی موضوع مورد نظر، دسته‌بندی حق‌ها به حق‌های تحدیدکننده و منع‌کننده مخاصمات و حق‌های جبرانی است.

1. Grover, A.  
2. Machel, G.

## ۲-۲. حقوق بشردوستانه ناظر بر خانواده؛ حقوق تحدیدکننده و منعکننده مخاصمات

حق های بشردوستانه با خصیصه تحدیدی و مانعیت خود نسبت به مخاصمات مسلحانه بین المللی، قواعدی از جنس تکلیف (در نتیجه ماهیت حق- ادعایی حق های بشردوستانه ناظر به خانواده) برای طرفین درگیر در مخاصمه مطرح می کند که از جمله آنها می توان حق بریاخته، حق بر پناهندگی و حق مصونیت شرافت خانوادگی را نام برد. بنابراین، این حق ها یا مانعی در شروع مخاصمه تلقی می شوند و یا حدود و قیودی را در مخاصمه آغاز یافته، ایجاد می کنند.

### ۲-۲-۱. حق بریاخته

به مجموعه اطلاعات وراثتی هر شخص (آنچه از والدینش به او منتقل می شود) یا به مجموعه کامل دی. ان. ای یک یاخته، ژنوم یا ژنگان گفته می شود. (شجاع، ۱۳۹۱) می توان از ژنوم به عنوان حقی خانوادگی یاد کرد که شامل مجموعه اطلاعات وراثتی آن خانواده است. مبنای این حق، این واقعیت است که ماده ژنتیکی خانواده، ذات و گوهر ارثی مشترک خانواده است و از این رو، نه تنها میراث خانواده بلکه خود خانواده است. شناسایی ژنوم به عنوان میراث مشترک خانواده به این معنی است که جامعه بین المللی باید تضمین کند که ژنوم نباید تحت تملک یا اختیار هیچ فرد یا گروهی درآید. (گروس، ۱۹۹۸) البته ژنوم در فضایی کلی تر و قابل جمع، تحت مالکیت بشریت تلقی شده است که به معنای نفی مالکیت خانواده نیست بلکه بدین معناست که استفاده از این اطلاعات نباید در تضاد با منافع بشریت قرار گیرد.

حق خانواده بر اطلاعات ژنومیک، حقی است که هر عضو خانواده از لحظه انعقاد نطفه اش وارث آن می شود که با او رشد می یابد، تغییر می کند و با او منتقل می شود. بر همین اساس در بهره مندی از آن نیز باید کرامت انسانی وارثان، محترم انگاشته شود. این قید، زمینه جنگ های بیولوژیک مبتنی بر مهندسی ژنتیک از جمله بیوتورویسم سبز و تسلیحات بیولوژیک علیه خانواده ها را منع می کند. با این حال، همیشه زمینه تحقیقات زیستی بر ژنوم انسانی و سوء استفاده از آن در راستای مخالفت با شأن انسانی و مقاصد

تسلیحاتی مورد تزام و گفتمان پذیرش و انکار قرار دارد. اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر (۱۹۹۷-یونسکو) قیود متعددی را بر دولت‌ها تحمیل کرده است مانند اذن برای تمام تحقیقات، محرمانگی اطلاعات ژنتیکی و حق جبران عادلانه خسارت وارد بر ژنوم، ولی مهمترین قید پیش‌برنده، ممنوعیت استفاده از اطلاعات ژنوم برخلاف شرافت و حیثیت انسانی است. (جانوس، ۱۳۸۳)

مقید کردن تحقیقات علمی پیرامون ژنوم خانواده به رعایت کرامت انسانی و حقوق بنیادین، اگرچه خطرات ناشی از به‌کارگیری این اطلاعات در راستای مقاصد تسلیحاتی را غیرمشروع جلوه می‌دهد، ولی این اعلامیه، سندی غیرالزام‌آور است. البته نبود اعتراض یا حق شرط در جریان تصویب این اعلامیه می‌تواند انعکاس اصول زیربنایی حقوق بین‌الملل در حال ظهور یا ایجاد حقوق نرم برای تکوین حقوق عرفی و پی‌ریزی ضوابط عام‌الشمول در این مورد باشد. این تلقی از تبدیل ژنوم خانواده به سطح ابزار نظامی و مقاصد توسعه طلبانه و مبنایی برای نقض کرامت انسانی در خلال مخاصمات بیولوژیک و از تسلیحات متعارف جلوگیری می‌کند. (کنوپرز و کرانلی، ۱۹۹۹) همین احتمال می‌تواند مبنایی برای منع انتقال اطلاعات ژنتیک توسط خانواده و آزادگذاشتن دسترسی به اطلاعات ژنتیک توسط آنها قرار گیرد.

در ماده ۳۲ کنوانسیون چهارم ژنو، ماده ۱۱ پروتکل اول الحاقی و مواد ۱۲ و ۵۰ کنوانسیون اول، ماده ۱۳ و ۱۳۰ کنوانسیون سوم و ماده ۳۲ و ۱۴۷ کنوانسیون چهارم، ممنوعیت آزمایش‌های طبی، علمی و بیولوژیکی برای دستیابی به نتایج علمی که با سلامت شخص دشمن ارتباطی ندارد، ممنوع اعلام شده است. دانش ژنتیک، ظرفیت گسترده‌ای از فناوری زیستی برای ایجاد تبعیض هوشمندانه براساس الگوهای ژنتیکی تلقی می‌شود. تبعیض در برخورداری از امکانات درمانی و یا تقدم بخشی در دسترسی به امکانات حقوق بشر دوستانه در خلال مخاصمات بر مبنای اطلاعات ژنتیک بر اصل کرامت انسانی امری است که می‌تواند قواعد اساسی حقوق بشر دوستانه را به‌طور جدی در معرض نقض قرار دهد. می‌توان حمایت از ژنوم را در قالب ممنوعیت نسل‌زدایی (به‌موجب کنوانسیون جلوگیری و مجازات جنایت نسل‌زدایی، سال ۱۹۴۸) طرح کرد که در آن هدف، نابودی خانواده‌های دارای یک نژاد یا مذهب

1. Knoppers B. M., & Cranley G. K.

است. از آن جمله می‌توان کشتار آرامنه در خلال جنگ جهانی اول در فاصله سال‌های ۱۹۱۴ و ۱۹۱۶ به دست عثمانی و قتل عام یهودیان توسط آلمان نازی را نام برد. این قبیل جنایت، تحت عنوان جنایت نسل‌زدایی در اساسنامه‌های دادگاه‌های بین‌المللی کیفری قلمداد شده است. پیش‌نویس کنوانسیون ۱۹۴۷ (ماده ۱) به زدایش بیولوژیکی نسل اشاره کرده و تحمیل اقدامات به قصد جلوگیری از توالد را محدود کرده است. این قبیل اقدامات با گستره‌ای از ممنوعیت و مجازات در متون فقهی با عنوان افساد حرث و نسل قابل پیگیری است. توضیح اینکه، دستکاری ژنتیک انسانی به قصد درمان از مواردی است که عمده فقهای اسلامی با استناد به ادله، آن را جایز دانسته‌اند. از جمله این ادله عبارتند از: اصل اولی اباحه افعال؛ منافات نداشتن این اعمال با خالقیت خداوند؛ و جریان نیافتن دلیل حرمت تغییر در آفرینش الهی در این اعمال. در همین نظریات، قیودی بر جواز وارد شده است از جمله اینکه نباید نتیجه تغییرات، نامعلوم باشد و یا حتی به صورت محتمل نقصی ایجاد کند (منتظری نجف‌آبادی، ۱۳۸۵) و یا جواز، مشروط به داشتن آثار مثبت است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷). بنابراین، استفاده از ژنوم انسانی برای مخاصمات و نابودی نسل انسانی، فاقد آثار مثبت و منافع مدنظر فقهای قائل به جواز است. در این صورت تردیدی در حرمت این قبیل اقدامات ذیل عنوان حرمت افساد در آیات شریفه قرآن نیست. در حقیقت، افساد، اخراج چیزی از حالت اعتدال و صحت (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۳/۲۱۶) یا اختلال در طبیعت و نظم حاکم در خلقت و تکوین اشیاء است مانند افساد تشریعی و قتل نفوس به غیر حق و ظلم به مردم (مصطفوی، ۱۳۸۰، ۸/۳۸۴). حکم افساد در زمین نیز مورد نهی خداوند و مشمول حکم فقهی افساد در زمین و محاربه است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲/۷۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۲ هـ.ق، ۱۵/۳۲۲).

## ۲-۲-۲. حق بر پناهندگی و منع آوارگی اجباری

جنگ به دلیل تشدید مهاجرت اجباری، پیامدهای ناگواری را بر سرنوشت خانواده دارد مانند تجزیه شدن خانواده و بی‌اطلاعی از سرنوشت اعضای گمشده در طی مهاجرت. در حقوق بین‌الملل، امکان اعمال هم‌زمان کنوانسیون ۱۹۵۱ در مورد حقوق پناهندگان و نیز کنوانسیون‌های حقوق بشردوستانه (ماده ۵ کنوانسیون ۱۹۵۱ حقوق پناهندگان) وجود دارد و در مواردی که طرف‌های دیگر نتوانند یا نخواهند حقوق بشردوستانه را رعایت کنند، حمایت

از پناهندگان، الزام دیگری در این مورد ایجاد خواهد کرد. به موجب ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهنده کسی است که به خاطر ترس موجه از تعقیب به دلایل مربوط به نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در بعضی گروه‌های اجتماعی یا داشتن عقاید سیاسی در کشور خود در خارج از کشور محل سکونت عادی خود به سر می‌برد و به علت ترس مذکور نمی‌خواهد یا نمی‌تواند به کشور خود برگردد.

به نظر می‌رسد شرط صدق عنوان پناهنده و برخورداری از حق‌های مذکور در کنوانسیون ۱۹۵۱ صدق عنوان تعقیب و ابتدای تعقیب بر یکی از دلایل پیش‌گفته باشد و در صورت صرف گریختن از مناطق جنگ‌زده، کنوانسیون ۱۹۵۱ بر آنها صدق نخواهد کرد. اگرچه مفهوم تعقیب در کنوانسیون ۱۹۵۱ تعریف نشده است، ولی در این مورد اتفاق وجود دارد که برخی اعمال غیرقانونی و شدید مانند تهدید مستقیم به حیات یا آزادی فرد (ژاکمت<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱) و نقض حقوق غیرقابل تخلف افراد به منزله تعقیب است. دیوان بین‌المللی دادگستری برای یوگسلاوی سابق نیز در قضیه کوپرسکیچ<sup>۲</sup> تعقیب را به هرگونه نقض جدی حقوق بشر (با دلایل مشابه در کنوانسیون ۱۹۵۱) تعمیم داده است. احتمال تعقیب به دلیل ملیت خانواده درگیر در مخاصمات یا نقض حقوق غیرقابل تخلف آنها در منطقه جنگی می‌تواند موجب فعال شدن کنوانسیون ۱۹۵۱ در مورد آنها شود.

نقض این حق با عنوان شدیدترین جنایات مورد توجه جامعه به طور کلی (ماده ۵ اساسنامه رم دیوان بین‌المللی کیفری) و خشونت‌هایی که به طور عمیق، وجدان بشریت را تکان می‌دهد (مقدمه اساسنامه) چه بسا بتواند با عنوان جنایت جنگی، قابل طرح در دیوان باشد.

ماده ۴۹ کنوانسیون چهارم ژنو نیز اخراج و انتقال سکنه سرزمین اشغالی را ممنوع می‌کند و تنها استثنایی که در نظر می‌آورد وجود ملاحظات عالیه نظامی و امنیت سکنه است. ماده ۵۸ پروتکل اول الحاقی هم دولت‌های طرف درگیری را متعهد می‌کند غیرنظامیان را از نزدیکی مراکز و اهداف نظامی دور کنند (درون سرزمین). اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در بند «ج» ماده ۲ و بند «د» ماده ۵ و اساسنامه

1. Jaquemet, S.

2. Kuperskic



رم در بند «د» ماده ۷ و قسمت ۷ بند «الف» و قسمت ۸ بند «ب» ماده ۲ بر ماهیت کیفری این نقض تأکید می‌کند. درعین حال از نقایص نظام حقوق بین‌الملل بشردوستانه از جمله کنوانسیون چهارم ژنو این است که از ممنوعیت اخراج بیگانگانی که در سرزمین یک طرف درگیری به سر می‌برند، سخنی به میان نمی‌آورد و این خانواده‌ها باید از حمایت دولت متبوع خود را داشته باشند، ولی تا اقدام دولت متبوع، نمی‌توان به مهاجرت اجباری از سوی دولت طرف مخاصمه قائل شد.

در اسلام اعطای امان به خانواده پناهنده جنگی امری مشروع است و در صورت وجود مصلحت، حسن نیت و عدم جاسوسی قابل پذیرش است. (حلی، ۱۴۱۴ ه.ق، ۸۶/۹۰) بدیهی است حفظ سلامت غیرنظامیان و نیز تمامیت خانواده در زمره مصالحی است که می‌تواند مورد توجه حاکم اسلامی قرار گیرد. در نگاه برخی، شرط قبول پناهندگی، بسندگی عدم ضرر است. مشروعیت و جواز طرح شده زمینه مناسبی را برای حفظ خانواده و موجودیت آن در خلال مخاصمات مسلحانه فراهم می‌کند. در قواعد اسلامی پناهندگی، اگر مهاجران به اعتقاد غیرواقعی امان، وارد سرزمین اسلامی شوند در امنیت قرار خواهند داشت تا اینکه به سرزمین خود بازگردانده شوند (حلی، ۱۴۱۴ ه.ق، ۱۰۵/۹۰). از لزوم توطئه و فراهم کردن امنیت برای مهاجران و عدم قید فوریت در بازگرداندن آنها به نظر می‌رسد در مواردی، بازگرداندن پناهنده به سرزمین در صلح (اسلامی) به دلیل جنگ و نبود شرایط امنیت در سرزمین متبوع مهاجران، برای امنیت خانواده او خطرناک باشد و چنین الزامی در پیش نخواهد بود.

در مورد خانواده اتباع ساکن در دولت اسلامی درگیر در مخاصمات نیز حمایت مطلق در برابر تعرض داخلی و خارجی لازم است. (عمر مدنی، ۱۹۸۴) در مورد اوج این حمایت می‌توان گفت که چنانچه دولت متبوع پناهنده، اسیری را در اختیار داشته باشد، نمی‌توان اسیر را با پناهنده معاوضه کرد مگر آنکه پناهنده راضی باشد. اگر دولت متبوع پناهنده، دولت اسلامی را تهدید به توسل به زور کند نباید پناهنده را تسلیم کرد؛ زیرا برخلاف امانی است که به وی اعطا شده است (المهیری، ۱۹۹۵).

در ماده ۱۲ اعلامیه حقوق بشر اسلامی قاهره آمده است:

هر انسانی [مسلمان و غیرمسلمان] بر طبق شریعت، حق انتقال و انتخاب مکان

برای اقامت در داخل یا خارج از کشور را دارد و در صورت تحت ظلم قرار گرفتن می‌تواند به کشور دیگری پناهنده شود و بر آن کشور پناه‌دهنده واجب است که با او مدارا کند تا اینکه پناهگاهی برایش فراهم شود.

ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۵۱ نیز مقرر می‌دارد که دولت‌های متعاقد، پناهندگانی را که به طور مستقیم از سرزمینی که در آنجا زندگی می‌کردند و آزادیشان در معرض خطر و تهدید بود بدون اجازه به سرزمین آنها وارد شده‌اند یا در آنجا به سر می‌برند به خاطر اینکه برخلاف قانون وارد سرزمین آنها شده‌اند یا در آن به سر می‌برند، مجازات نخواهند کرد مشروط به اینکه آنها را فوراً به مراجع مربوطه معرفی کنند و دلایل قانع‌کننده‌ای برای ورود یا حضور غیرقانونی ارائه دهند. (ر.ک. ماده ۳۳ همین کنوانسیون)

### ۲-۲-۳. حق بر مصونیت شرافت خانوادگی

خشونت جنسی افزون بر آثار روانی شدید، شرافت و منزلت خانواده را در اجتماع از بین می‌برد و حتی با وجود پایان جنگ‌ها باز هم بر جسم و روح قربانیان باقی است. (رمضان نرگسی، ۱۳۸۳) سرخوردگی اجتماعی، بازگشت ناپذیری به زندگی اجتماعی و همچنین هویت نامعلوم کودکان متولدشده از این خشونت‌ها به عنوان خانواده‌های نامشروع از جمله پیامدهای خشونت‌های جنسی در مخاصمات است. براساس گزارش کمیته حقیقت‌یاب اتحادیه اروپا بیش از دویست هزار زن مسلمان در جریان تعارضات مسلحانه بوسنی و هرزگوین در نتیجه تجاوزات، باردار شدند و برخلاف میلشان، مجبور به زادن کودکان صرب شده‌اند (پاریاب، ۱۳۸۷). تحقیقات مربوط به درگیری‌های ۱۹۹۴ رواندا حاکی از آن است که بیشتر افراد خانواده‌های زیر ۱۲ سال، قتل عام شدند و یا مورد تجاوز قرار گرفتند و حدود بیست هزار نفر نیز در خشونت‌های مربوط به یوگوسلاوی سابق نیز از این تعرض در امان نبودند (ماشل، ۱۹۹۶). جامعه بین‌المللی در واکنش عملی به این پدیده در جنگ‌ها و حمایت از قربانیان این‌گونه رفتارها توجه لازم نداشت. (میشل، ۲۰۰۵) از نظر اسنادی، اعلامیه بروکسل (۱۸۷۴) حق بر شأن، منزلت و شرافت را در ماده ۳۸ تأیید کرده است: «شرافت و حقوق خانوادگی باید مورد احترام قرار گیرد». در همه کنوانسیون‌های لاهه نیز تنها ماده ۴۶ کنوانسیون ۱۹۰۷ به طور مبهم و غیرمستقیم، نقض شرافت خانوادگی را ممنوع اعلام کرده است، اما در

کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ (ماده ۲۷) و بند ۱ ماده ۷۶ پروتکل اول و قسمت «ه» بند ۲ ماده ۴ پروتکل دوم الحاقی، به طور صریح از شرافت خانوادگی حمایت شده است. دیوان بین‌المللی کیفری نیز در قواعد دادرسی و ادله، حمایت‌های متعددی از این حق به عمل آورده است مانند عدم نیاز به تأیید شهادت قربانی خشونت جنسی، حمایت از شهود و در نظر گرفتن اقدامات حمایتی، ترتیبات امنیتی، مشاوره و سایر کمک‌های مناسب برای آنها و جبران خسارات و در نظر گرفتن یک صندوق امانی برای قربانیان و خانواده‌هایشان. در اسلام، تجاوز و به مسلخ کشاندن شرافت خانوادگی به عنوان یک روش جنگی، حتی در مقام مقابله به مثل جایز نیست (ر.ک.، حرعاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ۲۹۰/۴۰).

### ۲-۳. حقوق بشردوستانه ناظر به خانواده؛ حق‌های جبرانی

حقوق بشردوستانه با خصیصه جبرانی، تکالیفی برای دولت‌های درگیر مخاصمه مشخص می‌کنند تا از میزان خسارات روحی و مادی خانواده کاسته و یا جبران شود. از جمله این حقوق می‌توان به حق دانستن حقیقت، حق بر بازپیوند خانواده و حق دسترسی به اجساد اشاره کرد.

#### ۲-۳-۱. حق بر دانستن حقیقت<sup>۱</sup>

حق بر اطلاع‌یابی از وقایع گذشته بر افراد خانواده از دیگر حق‌های خانواده در خلال مخاصمات مسلحانه بین‌المللی است. (سالادو،<sup>۲</sup> ۲۰۰۵) حق بر حقیقت را از سویی باید دارای ماهیت جمعی دانست که شامل حق بر جامعه نسبت به دسترسی به اطلاعات اساسی افراد قربانی است و از سوی دیگر دارای ماهیت ویژه‌ای دانست که شامل حق اطلاع خانواده از وقایع اتفاق افتاده بر سر عزیزانشان است. این حق در قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۷۴ به عنوان یک نیاز اساسی انسانی دانسته شده است که باید تا بیشترین حد ممکن برآورده شود. این حق در اسناد متعدد دیگر از جمله قطعنامه مصوب ۲۰۰۲ کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و قطعنامه‌های متعدد کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر (مصوب ۱۹۸۶، ۱۹۹۵ و ۱۹۹۹) نیز تأکید شده است.



حق اطلاع از سرنوشت افراد خانواده، شکلی از جبران برای وابستگان درجه یک است و دولت‌ها را متعهد می‌کند در جایی که سرنوشت خانواده یا افراد ناپدید شده آن، مبهم و نامعلوم است نسبت به وقایع تحقیق کنند. اطلاع نداشتن از سرنوشت عزیزان در فعال شدن نظم حقوقی غایب مفقود الاثر (با مسائلی چون وضعیت زوجه غائب، اموال غائب، سرپرستی و...) در فقه اسلامی و سایر مبانی مذهبی دیگر ادیان اثرگذار است. بر همین اساس، لزوم فحص در برخی قرائات فقهی یا وجوب تربص و انتظار نسبت به غائب نمایانگر حق بردانستن حقیقت است. در کنوانسیون سوم ژنو در راستای حق بردانستن حقیقت، موارد متعددی در زمره حقوق اسرا مقرر شده است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- حق اطلاع از نشانی جدید پستی در صورت جابجایی بازداشتگاه و حق بر مطلع کردن

خانواده از آن (ماده ۴۸ قرارداد ژنو راجع به معامله با اسیران جنگی ۱۹۴۹)؛

- حق بر مطلع کردن خانواده از اسارت، بیماری و جابجایی بازداشتگاه خود (به زبان

مادری خود) و لزوم ارسال سریع این کارت‌ها (ماده ۷۰)؛

- حق بر تنظیم وصیت نامه و ارسال آن پس از فوت به دولت حامی (ماده ۱۲۰)؛

- لزوم تنظیم گواهینامه‌های فوت و ارسال آن به دفتر اطلاعات اسیران جنگی؛ مشتمل

بر محل و تاریخ و علت فوت و محل و تاریخ دفن به انضمام تمام اطلاعات لازم برای

تشخیص قبور (ماده ۱۲۰).

البته در مورد گستره فقهی حق بردانستن حقیقت، تأملاتی مطرح می‌شود؛ از جمله

اینکه عدم جواز نبش قبر (حلی، ۱۴۱۲ ه.ق، ۴۱۱/۷)، ممنوعیت مثله (حرعاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ۵۸/۱۵)، حرمت

قطع اعضای میت و وجوب فوریت دفن (حرعاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ۳۲۹/۲۹) حق دانستن حقیقت را

محدود می‌کند. در مورد این مطلب باید اندیشید؛ زیرا این حق می‌تواند در ذیل برخی

موارد ضروری که مسوغ نبش قبر است، قرار گیرد (طوسی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۷۳۰/۱) که در آن، نتایج

قضایی اتوپسی دنبال می‌شود؛ از جمله اتوپسی با هدف تعیین علت فوت و سایر یافته‌های

مرتبط با آن، تعیین میزان دیه و تشخیص هویت جسد که همه اینها به احقاق حق قربانی

و بازماندگان وی کمک می‌کند. همچنین کالبدشکافی برای یافتن حقیقت به معنای مثله

(مورد نهی) نیست. باتوجه به روایات این باب و از جمله مرسله محمد بن سنان (حرعاملی،

۱۴۰۹ هـ.ق. ۳۲۷/۲۹) مناط حرمت میّت است، پس در مواردی که کالبدشکافی، توجیه عقلانی یا شرعی دارد به هیچ وجه قصد اهانت صدق نخواهد شد. از نظر لغوی نیز معنای مثله با کالبدشکافی متفاوت است؛ در مثله، قطع اعضا از روی نفرت و انتقام است، ولی در کالبدشکافی، هدف احقاق حق بازماندگان است.

ادله وجوب فوریت در دفن، از قواعد تحویل اجساد (کالبدشکافی برای حق دانستن حقیقت)، منصرف است و در مورد حالاتی است که یا حقیقت مشخص است یا دشمنان، اجساد را از معرکه بیرون می‌کشند. افزون بر این و فارغ از بررسی سندی روایات، استحباب تعجیل در خاکسپاری میّت استنباط می‌شود و نه وجوب. همچنین می‌توان گفت که اگر به تأخیر انداختن خاکسپاری میّت موجب اهانت به او [و ایذای خانواده او] است، این امر حرام است. تکریم میّت به هر شکلی واجب نیست بلکه کافی است میت مورد اهانت و تحقیر قرار نگیرد. (مؤمن قمی، ۱۴۱۵ هـ.ق) بنابراین، چه بسا تکریم در تحویل اجساد یا اجرای حق پیش گفته باشد.

## ۲-۳-۲. حق بر بازپیوند خانواده

این حق برخلاف حق خانواده‌ها بر دانستن حقیقت سرنوشت مفقودین خود و سایر حقایق، شامل موارد سازماندهی تبادل اخبار خانوادگی و ثبت نام و پیگیری وضعیت افراد برای جلوگیری از ناپدید شدن آنها و در نهایت بازگرداندن اعضای خانواده‌ها به یکدیگر است. پیوند مجدد اعضای خانواده‌هایی که بر اثر جنگ و درگیری از هم دور افتاده‌اند، فرآیند اداری طولانی را از طریق دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان و سازمان بین‌المللی مهاجرت می‌طلبد. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، پیش از تشکیل سازمان پیوند اعضای خانواده باید اطمینان حاصل کند که این حرکت به نفع اطراف درگیر در مخاصمه است. این سازمان با موافقت اعضای خانواده، روابط خانوادگی آنها را بررسی می‌کند، همچنین از دولت‌های درگیر در جنگ و کشورهای ترانزیت، مجوزها و ویزاهای مورد نیاز را اخذ می‌کند. [در این میان] اولویت به افرادی از اعضای خانواده داده می‌شود که به حمایت‌های خاص نیاز دارند مانند زندانیان آزاد شده و خویشاوندان نزدیک افراد

(ساسولی و لوئیز توگاس، ۲۰۰۲).



وبسایت روابط خانوادگی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ<sup>۱</sup> نیز به خانواده‌هایی که از روی ترس، محل سکونت خود را ترک کرده و در مناطق گوناگون پراکنده شده‌اند، کمک می‌کند تا تماس خود را دوباره با هم برقرار کنند. استفاده از این وبسایت عمومی و آسان با وارد کردن نام بستگانی که در جست‌وجوی آنها هستند، آغاز می‌شود، سپس به تدریج اطلاعات کسانی که زنده بودن آنها تأیید می‌شود در وبسایت ظاهر می‌شود. بر همین اساس در قواعد حقوق بشر دوستانه اسلامی، بایسته‌های متعددی در راستای حق بودن با خانواده مقرر شده است که برخی جنبه پیشگیرانه و برخی جنبه جبرانی دارند از جمله:

- ممنوعیت هرگونه انتقال کودکان به یک کشور خارجی (مگر در صورت ایجاب دلایل اضطراری یا سلامتی و امنیت) (ماده ۷۸ پروتکل اول و ماده ۴ بند ۳ قسمت «ه» پروتکل دوم ۱۹۷۷ و در مورد وظیفه دولت اشغال‌گر ماده ۵۰ کنوانسیون چهارم)؛

- شناسایی، تعیین هویت کودکان کمتر از ۱۲ سال که در اثر جنگ یتیم یا از خانواده خود جدا شدند و بازگشت به خانواده (ماده ۵۰ کنوانسیون چهارم)؛

- اعضای یک خانواده بازداشت‌شده، به‌ویژه پدر و مادر و کودکانشان در یک محل با هم خواهند بود مگر دلایلی همچون سلامت، جدایی میان آنها را به صورت موقت ضروری سازد. همچنین دولت‌ها متعهد می‌شوند تا به هر طریق ممکن، به هم پیوستن مجدد خانواده‌هایی که به دلیل مخاصمات مسلحانه از یکدیگر جدا شده‌اند را تسهیل کنند (ماده ۸۲ و ۷۴ کنوانسیون چهارم، بند ۵ ماده ۷۵ پروتکل اول ژنو و بند ۳ ماده ۴، قسمت «ب» پروتکل دوم).

در اسلام نیز تأکید شده است که خانواده‌های اسیر از یکدیگر جدا نشوند. فقهای گذشته نیز به عدم جدایی مادران اسیر از فرزندان‌شان فتوا داده‌اند. (طباطبایی حائری، ۱۴۱۸ ه.ق، ۸۵/۹؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۱ ه.ق) اگر بازگرداندن کودکان به خانواده‌های آنها میسر نباشد دولت اسلامی و مسلمانان باید در جست‌وجوی پناهگاهی امن برای آنها از جمله پناه دادن در خانواده‌ای جایگزین و در غیر این صورت در مراکز بهزیستی تا زمان بازگشت به خانواده اصلی باشند (جامعه‌الازهر، ...، ۲۰۰۶).

### ۲-۳-۳. حق دسترسی به اجساد

در اسلام، حق دسترسی به جسد نمی‌تواند مالکیت خانواده بر جسد باشد. در واقع،

ملکیت مالک بعد از مرگ باقی می ماند مانند اینکه وصیت به ثلث از طرف میت یا وصیت به بقای قسمتی از اموال برای صرف منافع آن در امور خیریه و اهدای ثواب آن به روح، خود دلیل بر این است که با مرگ، اعتبارات و مالکیت قطع نمی شود. همچنین دلیل ارث، منصرف بلکه صریح به اموالی غیر از جسد است. بنابراین، ملکیت جسد قابل ارث نیست و به وراث منتقل نمی شود؛ زیرا دلیل ارث مختص اموالی است که در عرف به آن اموال گفته می شود. (مصطفوی، ۱۳۸۹) بنابراین، ماهیت حق دسترسی به جسد، تنها حقی برای تشریف خاطر بازماندگان است که باید با حکم ضرورت خاکسپاری فوری میّت (جرعاعلمی، ۱۴۰۹هـ.ق، ۴۷۹/۲) در تلائم قرار گیرد. از این رو، دسترسی خانواده به جسد در راستای ممنوعیت تحمیل رنج غیر ضروری بر خویشان است چنان که پیامبر اسلام ﷺ به دلیل سهل انگاری بلال در عبور دادن بازماندگان از کنار کشته شدگان در جنگ، او را نکوهیده و زبان به سرزنش گشود و فرمود: «مگر رحم از دلت رخت بر بسته است که این دوزن را از کنار جسد کشته شدگان عبور می دهی» (مجلسی، ۱۳۶۳، ۵/۲۱).

دشمنان می توانند بنا بر رسوم خود، جسد کشته شدگان خود را از معرکه خارج و آنها را تشییع و تدفین کنند. تحویل اجساد دشمن به خود آنها نیز مورد تأکید اسلام است. در جنگ خندق پس از کشته شدن عمرو بن عبدود، مشرکان تقاضای خرید جنازه وی را به مبلغ ده هزار دینار کردند. پیامبر ﷺ فرمود: «جنازه از آن خودتان، ما پول مرده را نمی خوریم» (حلبی، ۱۴۲۷، ۴۲۸/۲). در مورد نوفل بن عبدالله در جنگ خندق نیز نقل شده است که پیامبر ﷺ اجازه داد دشمنان بدون پرداخت وجه، جنازه او را ببرند (واقعی، ۱۴۰۹هـ.ق، ۴۷۴/۲). در غیر این صورت، بر اساس نظر برخی از فقها، مسلمانان باید اجساد دشمن را دفن کنند. اختلاف اخیر به دسته ای از روایات مطلق برمی گردد که برخی از اطلاق آن، جواز دفن جسد کافر و بلکه وجوب آن در صورت آزار مردم و خوف از امراض را فهم کرده اند (نجفی، ۱۴۰۴هـ.ق). برخی دیگر نیز به عدم جواز دفن میّت کافر به آن شیوه ای که مسلمانان را دفن می کنند (غسل و کفن و...) نظر داده اند (طوسی، ۱۴۰۷هـ.ق، ۱/۳۳۵). سیره پیامبر اکرم ﷺ در مورد دفن کشته شدگان جنگ بدر در چاه قلیب (بیهقی، ۱۴۰۵هـ.ق، ۱۱۷/۳؛ زحیلی، ۱۴۱۹هـ.ق) نیز گواهی بر این مبنای برگزیده است. البته دیگر دیدگاه ها نیز بر حرمت دفن کافر حربی کشته شده در جنگ



با مسلمین (محقق حلی، ۱۴۱۸ ه.ق، ۱/۱۱۳) یا عدم جواز دفن مطلق کافر (محقق کرکی، ۱۴۱۴ ه.ق، ۳/۳۸۴) نظر دارند. حق دسترسی به اجساد، متضمن تعهداتی برای طرفین درگیر در مخاصمات است از جمله:

- تکلیف به جست و جوی غیرتبعیض آمیز اجساد: براساس قاعده ۱۱۲ از قواعد حقوق بشردوستانه عرفی که می‌تواند در بردارنده اعطای اجازه به سازمان‌های بشردوستانه از جمله کمیته بین‌المللی صلیب سرخ برای جست و جوی جمع‌آوری اجساد باشد. (مورگان<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹) ماده ۳ کنوانسیون ۱۹۲۹ ژنو مقرر کرده است که پس از هر درگیری، فاتح میدان نبرد باید تدابیری را برای جست و جوی مجروحان و اجساد اتخاذ و از آنها در برابر غارت و بدرفتاری محافظت کند. هرگاه شرایط اقتضا کند، طرف‌ها باید نسبت به آتش بس محدود یا تعلیق آتش توافق کنند تا جمع‌آوری مجروحان باقیمانده در بین خطوط جنگی ممکن شود (ر.ک.، ماده ۱۵ کنوانسیون اول ۱۹۴۹؛ ماده ۱۸ کنوانسیون دوم؛ ماده ۱۶ کنوانسیون چهارم).

- تکلیف به حفاظت از مرده در برابر سرقهت، قطع عضو و غارت: به موجب قواعدی چون قاعده ۱۱۳ از قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی (هنکارتر، دوسوالد-بک، ۲۰۰۵). این تعهد در اساسنامه رم با احتساب مثله، ذیل جزء ۲، قسمت «ج»، بند ۲، ماده ۸ (ممنوعیت هتک حرمت به کرامت اشخاص) به‌عنوان یک جنایت جنگی تقویت شده است (ولز<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵). در اسلام این حرمت بر مقتضای آیه شریفه «... والحرمات قصاص...» (بقره: ۱۹۴) نیز مقدم است (نجفی، ۱۴۰۴ ه.ق).

- تشخیص هویت اجساد پیش از دفن و لزوم علامت‌گذاری محل دفن اجساد: بنابر ماده ۴ کنوانسیون ۱۹۲۹، ماده ۱۶ کنوانسیون اول ۱۹۴۹، ماده ۱۹ کنوانسیون دوم ۱۹۴۹، این قاعده نیز به واسطه لزوم مراعات احترام به زندگی خانوادگی و حق خانواده‌ها استحکام بیشتری می‌یابد.

- لزوم مراعات حق دسترسی خانواده در انتخاب محل دفن اجساد: براساس این اصل، مقبره باید نزدیک و قابل دسترس برای بازماندگان باشد. (تیدبال بینز، ۲۰۱۳)

1. Morgan, O.  
2. Henckaerts, J. M., & Doswald-Beck, L.  
3. Wels, W.



## ۲-۳-۴. حق خانواده بر اموال برجای مانده از کشته شدگان

اموال برجای مانده در کنار اجساد، افزون بر اینکه از نظر حقوقی، ماهیت میراث و ماترک دارد مالیت معنوی نیز برای خانواده خواهد داشت. بازگرداندن لوازم شخصی کشته شدگان و اجساد متوفی به مجرد درخواست نزدیکان متوفی انجام می‌شود. تا سال ۱۹۱۴ در مورد وسایل افراد حاضر در جنگ به‌ویژه اتباع دشمن، برخلاف قابلیت مصادره اموال عمومی و دولتی دشمن در قلمرو سرزمینی طرف مقابل، مالکیت خصوصی اتباع دشمن مورد احترام و رعایت بود (مبتنی بر مواد ۴۶-۴۸ عهدنامه ۱۹۰۷ لاهه)، اما با آغاز جنگ جهانی، قاعده مصادره اموال خصوصی اتباع کشورهای دشمن در حال اجرا شد. در سال‌های میانی ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ نیز تصمیمات کشورها بیشتر ماهیت تحدیدی بر حق پیش‌گفته بود. این تصمیمات در معاهدات صلح ۱۹۱۹ نیز اعتبار حقوقی یافت. این حق برای نخستین بار در کنوانسیون ۱۹۲۹ ژنو تدوین شد. بند سوم ماده ۱۷ کنوانسیون اول ۱۹۴۹ ژنو می‌گوید:

وجوه نقدی و به‌طور کلی تمام اشیایی که به خودی خود یا به اعتبار علائق محبت، قیمتی باشد و روی جسد مردگان یافت شود جمع‌آوری و به‌وسیله همان دفتر [دفتر اطلاعات موضوع ماده ۱۲۲ کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹] برای یکدیگر ارسال می‌شود. این اشیاء و همچنین اشیاء مجهول‌المالک در بسته‌های ممهور به انضمام اظهارنامه که حاوی تمام توضیحات لازم برای تشخیص هویت مالک متوفای آنها باشد، ارسال خواهد شد. صورت کامل محتویات هر بسته باید به آن ضمیمه شود. علاوه بر این مقرر، ماده ۱۲۰ کنوانسیون سوم، ماده ۱۳۰ کنوانسیون چهارم و ماده ۳۴ پروتکل اول هم به بحث بازگردانی وسایل آنها به خانواده‌ها پرداخته‌اند.

این حق در رویه دولت‌ها نیز به‌منزله قاعده عرفی حقوق بین‌الملل قابل اعمال است (رک.، قاعده ۱۱۴ قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه). (هنکارتز، ۲۰۰۵) شاید در نگاه اول، پیش‌بینی حقی به‌عنوان حق سلب، نشان از سلب مالکیت خانواده قربانی نسبت به اموال باقی مانده در لباس‌ها یا همراه جسد باشد. بررسی اینکه مراد از سلب، لباس‌های برتن سربازان دشمن و اثاثیه متعلق به آنها مانند جوشن، زره، خود و چکمه و آلات حرب مثل سلاح از شمشیر و نحو آن و حیوان سواری و زین و لجام و دستبند و کمر بند و انگشتری و نحو آنها که شامل قمقمه و مشک و هرنوع ظرف دیگری که آب درون آن باشد نیز می‌شود. در مورد سلب،

شرایط زیر الزامی است:

- امام آن را شرط کرده باشد؛

- مقتول، جایز القتل و از سپاهیان و جنگجویان دشمن باشد؛

- دشمن، مقاوم و دارای توان نظامی باشد نه اسیر و مجروح؛

- قاتل او مشخص باشد. (طوسی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۲/۶۶)

بنابراین، قیود متعددی در راستای حمایت از حق خانواده در نظر گرفته شده است که براساس این قیود، جواز سلب فقط در هنگام جنگ فعال و از اموال مقتولان دشمن، آن هم توسط کشنده فرد دشمن با اجازه، ولی امر مسلمین ممکن است.

### ۲-۳-۵. حق بر ممنوعیت آزار روحی و حق بر جبران خسارت معنوی

در راستای ممنوعیت ایجاد درد و رنج بیش از حد لازم (ماده ۳۵ پروتکل اول الحاقی) از جمله درد و رنج روحی خانواده، مقررات متعددی پیش بینی شده است؛ مقرراتی همچون احترام به مردگان، دفن آنها براساس اصول مذهبی خود در صورت امکان، محترم شمردن قبور آنها و نگهداری شایسته قبور. (ر.ک.، مواد ۱۶ و ۱۷ کنوانسیون اول ژنو؛ مواد ۱۹ و ۲۰ کنوانسیون دوم و ماده ۱۷ پروتکل اول) با این حال، ایدای معنوی خانواده در اثر جنگ تا حد زیادی غیر قابل اجتناب است و در مورد حق دریافت خسارت معنوی در سیاق تحلیلی زیر باید گفت که ضرر معنوی، مفهومی دشوار است؛ زیرا هر دو جزء این مفهوم، بدیهی هستند و با ضوابط منطقی قابل تحلیل نیستند. فقها و دانشمندان مسلمان، مصادیق این ضرر را در مصادیقی مانند تنقیص آبرو، حسن شهرت و اعتبار و معنویات انسان (نجم جبران، ۱۹۸۱)، عرض، شرف و حیثیت یکی از اقارب، احساس درد جسمی و رنج‌های روحی (کاتوزیان، ۱۳۸۶/۱، ۱۴۴)، منزلت اجتماعی و شهرت (العوجی، ۱۹۹۵/۲، ۱۶۸) و احساسات، عواطف و علایق خانوادگی می‌داند (آشوری، ۱۳۷۶/۱، ۲۰۸).

در فقه اسلامی، سوابق متعددی از پرداخت خسارت معنوی به عنوان روش جبرانی در حقوق بشردوستانه مطرح است از جمله:

- پرداخت دیه قومی که مورد تعرض خالد بن ولید قرار گرفته بود (زمخشری، ۱۳۶۴/۳، ۱۸۲)؛

- عوض ترس زنان و کودکان قبیله بنی خزیمه در اثر هجوم اسب‌ها که این، صرف جبران

خسارت معنوی به شیوه مالی بود (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۱/۱۴۰).



به هر حال باتوجه به این سیره و نیز بستر صدور روایت لاضرر و حکم به رفع خسارت معنوی مرد انصاری و خانواده او و روایت ذیل بنابر پذیرش ماهیت جبرانی برای دیه می توان به حق جبران خسارت معتقد شد. حسن بن محبوب از حماد بن عیسی از سوار از حسن (بصری) روایت کرد:

امام علی علیه السلام چون طلحه و زبیر را شکست داد سپاه جمل رو به فرار نهاد و در وسط راه به زنی باردار برخورد. آن زن از مشاهده فراریان، وحشت زده و بیمناک شد و جنین خود را زنده بیفکند و جنین همچنان دست و پا میزد تا مُرد و بعد از آن نیز مادر درگذشت. علی بن ابیطالب علیه السلام و یارانش بر آن زن که با کودکش در راه افتاده بود، گذشتند. امام علی علیه السلام مردمان را از کار آن زن بازپرسید و مردم گفتند: او آبستن بود و چون جنگ و هزیمت را دید، ترسید. امام علیه السلام از ایشان سؤال کرد که کدام زودتر مرد؟ گفتند: پسرش پیش از خودش جان داد. امام علیه السلام شوهر آن زن را فراخواند و دوثلث دیه پسرش را به عنوان ارث به او داد و ثلث دیه را برای مادر درگذشته کودک گذاشت و پس از آن، نصف دیه را که به عنوان ارث پسر مرده به مادرش رسیده بود، بابت ارث به شوهر آن زن داد و بقیه را به خویشاوندان آن زن سپرد. سپس نصف دیه آن زن درگذشته را که ۲۵۰۰ درهم بود بابت ارث به شوهر داد و این بدان دلیل بود که آن زن به هنگام سقط کودک، فرزند دیگری نداشت و بقیه دیه زن را به خویشاوندان او داد. امام علیه السلام همگی مبلغ دیه را از بیت المال بصره پرداخت کرد. (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱۳۸/۷)

بنابراین، خسارت ناشی از ترس و یا هرگونه خسارت معنوی مانند خدشه دار کردن هویت خانواده و شرافت خانوادگی باید جبران شود. صاحب عناوین می نویسد:

اما در مورد آبرو، ضابطه آن هر چیزی است که جزء احترام مکلف است و هتک آن موجب خواری و شکسته شدن احترام او بین مردم است. از این رو، چنانچه فردی به همسر او تعدی کند یا بر خانواده، محارم و زنان متعلق به او ضرری وارد شود، همه این موارد هتک آبرو و عرض و در حقیقت، اضرار به غیر است و این ادعا که ضرر فقط به مال و بدن انصراف داشته و شامل این موارد نمی شود، صحیح نیست و نظیر این امور ضرر محسوب می شود. (حسینی مراغی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۳۰۹/۲)

### ۲-۳-۶. حق بردریافت حمایت های اقتصادی

این حق در موارد متعددی توسط کنفرانس بین المللی کارشناسان دولتی و غیردولتی ۲۰۰۳ و بیست و هشتمین کنفرانس بین المللی صلیب سرخ و هلال احمر تصویب شده است؛



زیرا خانواده‌های افراد مفقود علاوه بر نیازهای زندگی، هزینه‌های بسیاری را صرف یافتن خویشان مفقود خود می‌کنند. از نمونه‌های نگاه انسانی اسلام این است که پیامبر ﷺ فرمود: «هرکس در جنگ کشته شود و از خود عائله و خانواده‌ای برجای گذارد تأمین او برعهده ما فرض است» (طوسی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۲۱۱/۶). امام صادق علیه السلام نیز در حدیثی فرمود:

پیامبر ﷺ سپاهی را به جانب قبیله خثعم فرستاد. هنگامی که سپاه اسلام آنها را محاصره کردند به سجده افتادند تا کشته نشوند، اما با این حال بعضی از آنها به دست مسلمانان کشته شدند. وقتی پیامبر ﷺ این خبر را شنید، فرمود: بابت کشته شدگان نصف دیه کامل را به ورثه آنها بپردازید. (کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۴۳/۵)

### ۳. بحث و نتیجه‌گیری

خانواده را می‌توان متأثر از حق‌های شناسایی شده برای تک‌تک غیرنظامیان یعنی، کودکان، زنان، پیران و معلولان دانست. برخی حق‌ها نسبت به اعضای خانواده به حقوق خانواده برگشت می‌یابد مانند حق بهداشت بارداری، حق مراقبت‌های قبل و بعد از زایمان و یا حق بی‌طرف ماندن و تحت حمایت بودن زنان که تحت اصل تفکیک غیرنظامیان در فقه قابل پیگیری است، ولی نوشتار حاضر حق‌های خانواده در خلال مخاصمات مسلحانه را آن‌گونه که به خانواده بماهو خانواده تعلق داشت، بررسی کرد. در این نگاه، بنیان نظریه حقوق بشردوستانه ناظر بر خانواده، بر شناسایی خانواده به مثابه قربانی جنگی ارتباط می‌یابد. در حقیقت می‌توان این حق را ملازم یا عبارت دیگری از امکان حقوقی درج خانواده در نظام حقوق بشردوستانه دانست. براساس این تحلیل، اگرچه برخی از حق‌های بشردوستانه آثاری دامن‌گیر و مرتبط با دارند، ولی برخی از حق‌های بشردوستانه، موضوع و محملی جز خانواده ندارد (حق‌های فرافردی) و ضروری است از نظریه حقوق بشردوستانه ناظر بر خانواده سخن گفت.

حقوق بین‌الملل بشردوستانه از نظر تراکم داده‌ای و لایه‌های زبانی، کمتر به موضوع مستقل خانواده در خلال مخاصمات و نیز پس از مخاصمات پرداخته است، ولی با نگاهی تحلیلی، برخی احکام آن می‌تواند در دو دسته حقوقی حق‌های منع‌کننده و تحدیدکننده مخاصمات و حق‌های جبرانی، اقتضائاتی داشته باشد. در اسلام هر حقی پای در سنت

قولی و فعلی و برخی آیات دارد که در معارف فتوایی نیز نمود یافته است. در اسناد حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز در اسناد متعددی از جمله کنوانسیون‌های مختلف ژنو، اعلامیه ژنوم انسانی و کنوانسیون پناهندگی تاحدودی به موضوع خانواده پرداخته شده است، ولی نمودهای اسلامی می‌توانند به تکمیل نظریه حقوق بشردوستانه ناظر بر خانواده تاحدود زیادی کمک کند.

همچنین، نظریه ارائه‌شده در مقاله حاضر، معتقد است خانواده حقوق متعددی دارد. براین اساس، خانواده بر اطلاعات وراثتی خود و اموال برجای مانده از اجساد اعضای خانواده مالکیت دارد. در مورد نخست، این حق، زمینه تحقق حق‌های دیگر در خلال مخاصمات مسلحانه را فراهم می‌کند؛ از جمله ممنوعیت تبعیض در برخورداری از امکانات درمانی یا ممنوعیت زدایش بیولوژیکی نسل. در مورد اخیر نیز اسلام با عنوان سلب، قیودی برای سلب مالکیت از اموال فعالان جنگی در صورت وجود مصلحت و جواز امام مسلمین قائل شده است. از دیگر حقوق خانواده این است که باید دسترسی آنها به جسد یا مقبره کشته‌شده خود تسهیل شود. حق دسترسی به اجساد نیز متضمن تعهداتی بر اطراف درگیر در مخاصمات است؛ از جمله تکلیف به جست‌وجوی غیرتبعیض‌آمیز اجساد، تکلیف به حفاظت از مرده در برابر سرقت، قطع عضو و غارت، تکلیف به تشخیص هویت اجساد پیش از دفن و لزوم علامت‌گذاری محل دفن اجساد و نیز لزوم مراعات حق دسترسی خانواده در انتخاب محل دفن اجساد.

در فرآیند پناهندگی باید حمایت‌های لازم از آن به عمل آید. دانستن حقیقت و آنچه بر خانواده او رفته و مصون ماندن شرافت خانوادگی (عرض) نیز در زمره دیگر حق‌های خانواده در خلال مخاصمات مسلحانه بین‌المللی است. حق‌های جبرانی نیز به‌عنوان حق‌های پس از مخاصمات مسلحانه، زمینه‌ای برای فراموشی و تشریف خاطر آسیب‌دیدگان ناشی از جنگ است که در قالب حمایت اقتصادی و نیز جبران خسارت معنوی نمودار می‌شود. باید توجه داشت که از مجموع اسناد و منابع مطرح‌شده در طول تحقیق می‌توان به دو خصیصه اصلی استثناناپذیری و تقییدناپذیری حقوق بشردوستانه حاکم بر خانواده رهنمون شد. به این معنا که این حق‌ها به تمام خانواده‌ها اختصاص می‌یابد و از دیگر سو دریافت این

حمایت‌ها مشروط و مقید به هیچ قیدی نیست. درنهایت باید توجه داشت که باوجود اختلاف نظر میان دانشمندان حقوق بین‌الملل، به نظر می‌رسد بتوان قواعد طرح شده در این نظریه را نسبت به مخاصمات مسلحانه داخلی (غیر بین‌المللی) نیز جاری دانست که تعهدات دولت را در دو قالب اثباتی و سلبی نسبت به خانواده مطرح می‌کند.

### فهرست منابع

۱. احمدی میانجی، علی (۱۴۱۱ ه.ق). *الاسیر فی الاسلام*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲. اردلان، اسعد (۱۳۸۷). پناهندگی دیپلماتیک. *نشریه سیاست خارجی*، ۴ (۲۳)، ۵۸۰-۶۰۷.
۳. ارفع‌نیا، بهشید (۱۳۷۳). *حقوق بین‌الملل خصوصی* (تابعت، اقامتگاه، وضع بیگانگان). تهران: انتشارات آگاه.
۴. آشوری، محمد (۱۳۷۶). *آیین دادرسی کیفری*. تهران: انتشارات سمت.
۵. آقامهدوی، اصغر... و حبیبیان، مهدی (۱۳۹۳). بررسی اهلیت شخص حقوقی در فقه و حقوق. *نشریه پژوهشنامه فقهی*، ۲ (۲)، ۲۶-۴۰.
۶. بیهقی، ابوبکر احمد بن الحسین (۱۴۰۵ ه.ق). *دلایل النبوه*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۷. پارباب، سامره (۱۳۸۷). *شورای امنیت ملل متحد و جرایم جنسی علیه زنان در مخاصمات مسلحانه بعد از پایان جنگ سرد*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی. دانشکده روابط بین‌الملل دانشگاه تهران.
۸. جانوس، سیمونیدس (۱۳۸۳). *حقوق بشر: ابعاد نوین و چالش‌ها*. مترجم: شیرخانی، محمدعلی. تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران.
۹. جامعه‌الزهر بالتعاون مع منظمه الامم المتحدہ (یونیسف) (۲۰۰۶). *الاطفال فی الاسلام رعایتهم ونموهم و حمایتهم*. بی‌جا: بی‌نا.
۱۰. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ه.ق). *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. قم: مؤسسه آل‌البتیت.
۱۱. حسینی مراغی، میرفتاح (۱۴۱۷ ه.ق). *العناوین*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۲. حلبی، ابوالفرج (۱۴۲۷). *السیره الحلبیه*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۳. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۲ ه.ق). *منتهی‌المطلب فی تحقیق المذهب*. مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.
۱۴. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ ه.ق). *تذکره الفقها*. قم: مؤسسه آل‌البتیت بیت‌الحدیث الاحیاء التراث.
۱۵. دهقانی، غلامحسین... و ابتکار، معصومه (۱۳۹۸). *سخنرانی در همایش جنگ، مهاجرت و اثرات آنها بر زنان، خانواده و محیط زیست*. مشاهده شده در پرتال <http://hamior.org>
۱۶. رمضان نرگسی، رضا (۱۳۸۳). *تجاوز و بزه دیدگی زنان*. *نشریه مطالعات راهبردی زنان*، ۶ (۲۳)، ۸۵-۱۰۹.
۱۷. زحیلی، وهبه (۱۴۱۹ ه.ق). *آثار الحرب فی الفقه الاسلامی*. سوریه: دارالفکر.
۱۸. زمخشری، محمد بن عمر (۱۳۶۴). *المفاتیح فی غریب الحدیث*. قاهره: داراحیاء الکتب العربیه.
۱۹. شجاع، جواد (۱۳۹۱). *تکامل تدریجی حقوق بشر و پیشرفت‌های علمی و فناوری*. *نشریه داخلی مرکز ملی مطالعات جهانی شدن*، ۲ (۱۸)، ۳۲-۵۲.
۲۰. طباطبایی حائری، سیدعلی بن محمد (۱۴۱۸ ه.ق). *ریاض المسائل*. قم: مؤسسه آل‌البتیت بیت‌الحدیث.
۲۱. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۸۷). *المبسوط فی الفقه الامامیه*. مصحح: کشفی، سید محمد تقی. تهران: المکتبه المرتضویه لإحیاء الآثار الجعفریه.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ ه.ق). *تهذیب الاحکام*. تهران: بی‌نا.
۲۳. العاملی، جعفر مرتضی (۱۴۰۹ ه.ق). *الاسلام ومبدأ المقابله بالمثل*. بی‌جا: الوكالة العالمیه للطباعه والنشر.
۲۴. عمر مدنی، مهمد (۱۹۸۴). *الحمايه الدبلوماسية مفهوماها وحدودها*. *نشریه الدبلوماسية معهد الدراسات الدبلوماسية*، ۴، ۴۶-۷۸.
۲۵. عمیدزنجانی، عباسعلی (بی‌تا). *نقش عقل اجتماعی در بیدایش ادیان*. *نشریه معارف جعفری*، ۲۱۳-۲۲۰.

۲۶. العوجی، مصطفی (۱۹۹۵). *القانون المدني*. بیروت: مؤسسه بحسون.
۲۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶). *مسئولیت مدنی-ضمان قهری*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۸. کلینی، ابوجعفر، و محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ هـ.ق). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۹. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۳). *بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ هـ.ق). *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۳۱. مصطفوی، حسن (۱۳۸۰). *تفسیر روشن*. تهران: مرکز نشر کتاب.
۳۲. مصطفوی، سیدکاظم (۱۳۸۹). درس خارج فقه. جلسه ۸۹/۱۲/۱۰، مشاهده شده در پرتال <http://www.eshia.ir/feqh/archive/text/mostafavi/feqh>
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷). *فقه پزشکی*. قم: مدرسه علی بن ابیطالب علیه السلام.
۳۵. منتظری نجف آبادی، حسینعلی (۱۳۸۵). *فقه پزشکی*. تهران: انتشارات پرتو.
۳۶. موسوی سبزواری، عبدالاعلی (۱۴۰۹ هـ.ق). *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه اهل بیت علیهم السلام.
۳۷. المهری، سعید عبدالله حارب (۱۹۹۵). *العلاقات الخارجیه للدوله الاسلامیه*. بیروت: مؤسسه الرساله.
۳۸. مؤمن قمی، محمد (۱۴۱۵ هـ.ق). *کلمات سدیده فی مسائل جدیده (کلمه فی التلقیح)*. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۳۹. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ هـ.ق). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*. ب بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۴۰. نجم جیران، یوسف (۱۹۸۱). *القانون والحرم والنظریه العامه للموجبات*. بیروت: منشورات عویدات.
۴۱. واقدی، محمدبن عمر (۱۴۰۹ هـ.ق). *المغازی*. بیروت: مؤسسه اعلمی.
42. *Convention (I) for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armed Forces in the Field, Geneva*. 12 August (1949).
43. *Convention (II) for the Amelioration of the Condition of Wounded, Sick and Shipwrecked Members of Armed Forces at Sea, Geneva*. 12 August (1949).
44. *Convention (III) relative to the Treatment of Prisoners of War*. 12 August (1949).
45. *Convention (IV) relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War*. 12 August (1949).
46. *Convention for the Adaptation to Maritime Warfare of the Principles of the Geneva Convention*. 18 October (1907).
47. *Convention for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armies in the Field Geneva*. (1929).
48. Forsythe, D. P. (2017). *Human rights in international relations*. Cambridge: University Press
49. Gros Espiell, H. (1998). *The Common Heritage of Mankind and the Human Genome*, in Wellens, K. *International Law: Theory and Practice, Essays in Honour of Eric Suy*. London: Martinus Nijhoff Publishers.
50. Grover, A. (2009). *Report of the Special Rapporteur on the Right to the Highest Attainable Standard of Mental and Physical Health*, Human Rights Council. Resolution 11/12, 31 March.
51. Henckaerts, J. M., & Doswald-Beck, L. (2005). *Customary international humanitarian law*. Cambridge: University Press.
52. Jaquemet, S. (2001). The cross-fertilization of international humanitarian law and international refugee law. *IRRC*, 83 (83), 653-673.
53. Knoppers, B. M., & Cranley, G. K. (1999). *Commercialisation of Genetic Research and Public Policy*. available at :<http://home.intekom.com/tminfo/ rw00103.htm#07>, p. 2278.
54. Machel, G. (26 August 1996). *Report of the expert of the Secretary-General, submitted pursuant to General Assembly Resolution 48/157, Entitled: Impact of armed conflict on children A/51/306*.

55. Mitchell, D. S. (2005). The Prohibition of Rape in International Humanitarian Law as a Norm of Jus Cogens: Clarifying the Doctrine. *Duke Journal of Comparative and International Law*, 15 (219), 270-315.
56. Morgan, O. (2009). *Management of Dead Bodies after Disasters: A Field Manual for First Responders*. Washington D. C: Pan American Health Organization
57. Olumbe, K., Kalebi yakub, A. ( 2002). Management exhumation and identification of human remains. A view point of the developing world. *IRRC*, 848(84), 893- 902.
58. *Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts* (Protocol I). 8 June 1977.
59. *Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949 and relating to the Protection of Victims of Non-International Armed Conflicts* (Protocol II). 8 June 1977.
60. Salado-Osuna, A. (2005). *The Victims of Human Rights Violations in Armed Conflicts: The Right to Justice, Truth and Compensation, The New Challenges of Humanitarian Law in Armed Conflicts*. London: Martinus Nijhoff.
61. Sassoli, M., & Louise Tougas, M. (2002). The ICRC and the missing. *international review of the red cross*. 848 (84). 724-780.
62. Stewart, J. G. (2003). Towards a single definition of armed conflict in international humanitarian law: A critique of internationalized armed conflict. *International Review of the Red Cross*, 850, 313-350.
63. Tidball-Binz, M. (2013). Managing the dead in catastrophes: guiding principles and practical recommendations for first responders. *IRRC*, 866(89), 421- 442.
64. *The First Draft of the Genocide Conventin, Prepared by UN Secretariat*, May 1947, UNDoc.E/ 447.
65. *UN Commission on Human Rights*, Res. 2002/60, 25 April 2002.
66. *UN General Assembly*, Res. 3220 (XXIX), 6 November 1974, preamble.
67. *Universal Declaration on the Human Genome and Human Rights*, UNESCO.
68. Wels, W. (2015). *Dead body management in armed conflict: paradoxes in trying to do justice to the dead*. Graduation thesis of the Leiden Law School of Leiden University.
69. *25 th International Conference of the Red Cross* (1986). 23-31 October, Res. XIII.